



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ✿ سوره تین✿

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
سوگند به انجیر و زیتون،  
و به طور سینا،  
و به این شهر امن [مکه]  
که به راستی ما انسان را به نیکوترین ساختار آفریدیم.  
سپس او را [به سبب کفرش] به پست ترین مراحل بازگردانیم.  
مگر آنها که ایمان آورده اعمال صالح کردند که برایشان پاداشی بی پایان  
است.

[پس ای انسان ناسپاس] پس چه چیز تو را به تکذیب روز جزا  
وا می دارد؟  
آیا خدا بهترین داوران نیست؟

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)  
لَمَّا رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)  
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

❖ وَ التَّيْنِ: سوگند به انجیر

❖ طُورِ سینین: طور سینا، همان کوهی که خداوند در آن با موسی علیه السلام سخن گفت.

❖ اَمِينِ: امن و امان

❖ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (قَوْم): در بهترین ساختار

❖ رَدَدْنَا (رَد): برگرداندیم

❖ أَسْفَلَ: پایین ترین

❖ سَافِلِينَ: جمع سافل پست، پایین «انسانی که مراحل کفر و فسق را طی کند در پست ترین وضعیت دوزخ واقع می شود».

❖ غَيْرُ مَمْنُونٍ (مَن): پایان ناپذیر، بی منت.

❖ مَا يُكَذِّبُكَ: چه چیز تو را به تکذیب وا می دارد؟

## ✿ سوره علق✿

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
بخوان به نام پوردمگارت که آفرید.  
انسان را از خون بسته ای آفرید.  
بخوان که پوردمگارت از همه کریم تر است،  
همان که به وسیله ی قلم آموخت.  
به انسان آنچه نمی دانست آموخت.  
چنین نیست، بی شک آدمی طغیان می کند.  
همین که خود را بی نیاز بیند.  
مسلمان بازگشت، بسوی پوردمگار تو است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

اَقْرَأْ وَ رَبِّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمَ (۴)

عَلَمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى (۶)

أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَى (۷)

إِنَّ إِلَيْ رَبِّكَ الرُّجْعَى (۸)

# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

آیا دیدی آنرا که باز می دارد،  
وقتی بنده ای نماز کند!  
چه پنداری اگر این بنده بر هدایت باشد،  
یا به پارسایی فرمان دهد [آزارش کیفر دارد].  
مگر ندانی که اگر تکذیب کند و روی برگرداند [سزا خواهد دید].  
آیا ندانسته است که یقیناً خدا می بیند!  
حاشا که اگر دست بر نداردموی پیشانی او را گرفته [به دوزخ] می کشانیمش،  
موی پیشانی دروغزن خطاكار را.  
پس او گروهش را بخواند.  
ما هم آتش بانان را خواهیم خواند.  
زنهار اطاعت او مکن و سجده کن و تقرب جوی.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (٩)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (١٠)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (١١)

أَوْ أَمْرَ بِالْتَّقْوَى (١٢)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى (١٣)

أَلْمَ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (١٤)

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنْسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (١٥)

نَاصِيَةٌ كَاذِبَةٌ حَاطِئَةٌ (١٦)

فَلَيْدُغُ نَادِيَهُ (١٧)

سَنْدُغُ الزَّبَانِيَةَ (١٨)

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ (١٩)

❖ عَلَقَ: خونه بسته

❖ أَكْرَمْ: کریم تر، بزرگوارتر

❖ مَا لَمْ يَعْلَمْ: آنچه ندانست.

❖ لَيْطَعْيَ (طَعَوْ، طَعَيْ): حتماً طغیان و سرکشی می کند.

❖ أَنْ رَأَاهُ: که دید خود را.

❖ اسْتَغْنَى (غَنَى): خود را بی نیاز دید، احساس قدرت کرد.

❖ رُجْعَى (رَجْع): بازگشت

❖ أَرَأَيْتَ (رَأَيْ): آیا دیدی، چه می گویی.

❖ يَنْهَى (نَهَى): باز می دارد.

❖ إِذَا صَلَّى: وقتی که نماز می خواند.

❖ وَ تَوَلَّى (وَلَى): و پشت کند.

❖ يَرَى (رَأَيْ): می بیند.

❖ لَمْ يَنْتَهِ (نَهَى): دست برنداشت، بازنایستاد.

❖ لَنْسَفَعًا (سَفْع) لَنْسَفَعْنُ: قطعاً با خاری و شدت می کشیم «نوں تأکید خفیفه در رسم الخط قرآن به صورت تنوین نوشته می شود».

❖ نَاصِيَةٌ: موی پیشانی، قسمت جلوی سر.

❖ كَاذِبَةٌ: دروغ پرداز

❖ حَاطِئَةٌ: خطاكار

❖ فَلَيْدُغُ (دَعَوْ): پس فرا بخواند.

❖ نَادِيَ: مجلس و باشگاه «مراد قوم و عشیره است».

❖ سَنْدُغُ (دَعَوْ) سَنْدَعُو: «در رسم الخط قرآنی واو حذف شده است» فرا خواهیم خواند.

❖ زَبَانِيَةٌ: آتش بانان، فرشتگان مأمور آتش.

❖ لَا تُطِعْهُ (طَوْع): اطاعت نکن

❖ اِقْتَرِبْ (قُوب): تقرب بجوى، به خدا نزدیک شو.



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

## ﴿سورة قدر﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)  
 وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)  
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)  
 تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)  
 سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
 همانا ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.  
 و تو چه می دانی شب قدر چیست.  
 شب قدر از هزار ما بهتر است.  
 در آن شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان از برای هر کاری نازل  
 می شوند.  
 شبی سراسر سلامت است تا صبحدم.

- ❖ آنزنناه: نازل کردیم.
- ❖ مَا أَدْرَى (دری): چه چیز آگاه کرد.
- ❖ مَا أَدْرِيكَ: چه چیز آگاه کرد تو را، تو چه می دانی؟
- ❖ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ: چیست شب قدر.
- ❖ أَلْفٌ شَهْرٌ: هزار ماه.
- ❖ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ: بهتر است از هزار ماه.
- ❖ تَنَزَّلُ (تنزل): نازل می شود، فرود می آید.
- ❖ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ: با اذن پروردگارشان
- ❖ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ : از برای هر امری
- ❖ سَلَامٌ هِيَ: سلامتی است آن «شب».
- ❖ مَطْلَعٌ: زمان طلوع.
- ❖ فَجْرٌ: سپیده دم.
- ❖ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ: تا طلوع سپیده دم

## ﴿سورة بینه﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
 لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيهِمُ الْبَيِّنَاتُ (۱)  
 كافران اهل کتاب و مشرکان [از آین خود] دست بردار نبودند تا اینکه دلیل روشنی برایشان بیاید.  
 پیامبری از جانب خدا که صحفيه های پاکی را بر آنها بخواند.  
 رَسُولُ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحْفًا مُطَهَّرًا (۲)  
 فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمةٌ (۳)  
 وَ مَا تَرَقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ (۴)  
 و اهل کتاب پراکنده نشدند مگر پس از آنکه این دلیل روشن برایشان آمد [که پیامبر و قرآن است].  
 وَ مَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)  
 و آنها دستور نداشتند جز اینکه خدای یگانه را مخلصانه و حق گرایانه بپرستند و نماز برپا دارند و زکات دهنند و این است دین پایدار.  
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِّيَّةِ (۶)  
 بی تردید کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مشرکان، برای همیشه در آتش دوزخند و آنها بدترین آفریدگانند.

# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَيْرُ الْبَرِيَّةُ (٧)

البته کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته کردند، آنها بیند که بهترین آفریدگانند.

جَرَأُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبُّهُ (٨)

پاداش آنها نزد پروردگارشان بهشت های پایینده ای است که از پای درختانش نهرها جاری است و تا ابد در آن بمانند، هم خدا از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنود، این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگار خود پروا کند.

لَمْ يَكُنْ (کون): نبوده.

مُنْفَكِّينَ (فک) جمع مُنْفَكَّ: جدا شوندگان، رها شدگان

حَتَّىٰ تَأْتِيَ (أتی): تا این که باید.

بَيْنَةٌ: حجت روشن

يَتَلُو (تلو): تلاوت می کند.

صُحُفٌ جمع صَحِيفَةٌ: ورق نوشته ها

مُطَهَّرَةٌ: پاک و پاکیزه

كُتُبٌ قِيمَةٌ (قَوْمٌ): نوشته های استوار و با ثبات

مَا تَفَرَّقَ (فرق): پراکنده نشده

مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ: پراکنده و متفرق نشدن کسانی که

إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ: مگر پس از آنکه آمد ایشان را حجت روشن

مَا أُمِرُوا إِلَّا: دستور نیافتند مگر «أُمِرُوا، فعل مجھول است».

لَيَعْبُدُوا: تا پرستش کنند.

مُخْلِصِينَ لِهُ الدِّينِ: خالص کنندگان دین و بندگی برای او.

حُنَافَاء جمع حَنِيفٌ: حق گرایان، توحیدگرایان.

دِينُ الْقِيمَةِ (قَوْمٌ): دین محکم و پایدار.

أُولَئِكَ: آنان

شَرُّ الْبَرِيَّةِ (برء): بدترین مخلوقات «باری به معنای آفریدگار از همین ریشه است».

أَمْنُوا: ایمان آوردن.

إِمْنُوا: ایمان بیاورید.

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ: بهترین مخلوقات.

عَدْنٌ: همیشگی، اقامت و بقا در یک مکان، «جَنَّاتُ عَدْنٍ» یعنی بهشت های جاویدان، معدن که یک جایگاه مواد

خاصی در یک جاست، از همین ریشه است».

رَضِيَ: راضی شد.

رَضُوا: راضی شدند.

لِمَنْ حَشِيَ: برای کسی است که بترسد.



# مفاهیم قرآن کریم

## از سوره تین تا ناس

### سوره زلزله

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
هنگامی که زمین با زلزله مخصوص خود لرزانده شود،  
و زمین بارهایش را بیرون افکند،  
و آدمی گوید، آنرا چه شده است،  
در آن روز [زمین] خبرهایش را بازگوید.  
مسلمان از آن روزت که پورده گارت به آن اشاره کرد.  
آن روز مردم دسته بازگردند تا کارهایشان به آنها نشان داده شود.  
پس هر که به اندازه‌ی ذره‌ای نیکی کند آن را می‌بیند.  
و هر که به اندازه‌ی ذره‌ای بدی کند آن را می‌بیند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)  
وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)  
وَ قَالَ إِنْسَانٌ مَا لَهَا (۳)  
يَوْمَئِذٍ تُحَدَّثُ أَخْبَارَهَا (۴)  
بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)  
يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لَّيْرُوا أَعْمَالَهُمْ (۶)  
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)  
وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

❖ زلزلت: تکان داده شد، لرزانده شد.

❖ زلزالها: «مفعول مطلق نوعی است» زلزله مخصوص خودش را.

❖ آخرجت: بیرون آورد.

❖ اثقال (جمع ثقل): بارهای سنگین

❖ تحدث: بازگو می‌کند.

❖ اووحی: اشاره کرد، پیام داد.

❖ يَصْدُرُ: بیرون می‌آید، بر می‌گردد.

❖ اشتات (جمع شتات و شت): دسته دسته، پراکنده.

❖ لَيْرُوا (رأی): «فعل مجهول است» تا نشان داده شود به آنها.

❖ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ: به وزن ذره‌ی غباری

❖ يَرَهُ (رأی): می‌بیند آنرا

### سوره عادیات

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
قسم به اسباب تیز پا [ی جهاد] که نفس زنان [پیش روند]،  
و به آنها که با سمهای خود جرقه‌ها افروزند.  
و قسم به هجوم آوران در سپیده دم.  
که بدان گرد و غبار برانگیزند.  
و [ناگهان] با آن بر قلب دشمن زند.  
آری انسان نسبت به پورده گارش بسی ناسپاس است.  
و او خود بر این معنا گواه است.  
و به راستی او علاقه شدیدی به مال دارد.  
مگر نمی‌داند وقتی که خفتگان قبور برخیزند؟  
و آنچه [از کفر و ایمان] در سینه هاست فاش گردد،  
در آن روز پورده گارشان به آنها کاملاً آگاه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
وَالْعَادِيَاتِ صَبِحًا (۱)  
فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)  
فَالْمُغَيْرَاتِ صُبْحًا (۳)  
فَأَثْرَنَ بِهِ نَقْعًا (۴)  
فَوَسْطَنَ بِهِ جَمْعًا (۵)  
إِنَّ إِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)  
وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)  
وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)  
أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثَرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)  
وَ حُصَّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)  
إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَيْرٌ (۱۱)



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

- ❖ عَادِيَاتٍ (عَدُو) جمع عَادِيَة: دوندگان، اسبان تازنده.
- ❖ ضَبْحًا: صدای نفس های اسب در حال دویدن.
- ❖ مُورِيَاتٍ (وَرْي) جمع مُورِيَة: آتش افروزان، جرقه زنان «سُم اسبان جنگی بر اثر برخورد با سنگ ها جرقه می زند».
- ❖ قَدْحًا: تولید جرقه با سنگ چخماق
- ❖ مُغِيرَاتٍ (غَور) جمع مُغِيرَة: یورش برندگان، هجوم کنندگان غافل گیرانه.
- ❖ أَثْرَنَ (ثُور): زیر و رو کردن، پراکنده.
- ❖ نَقْعٌ: گردوغبار.
- ❖ وَسَطْنَ: به وسط لشکر زدنده.
- ❖ كُنُود: بسیار ناسپاس، بسیار کفران کننده.
- ❖ لَشَهِيدٌ: به خوبی گواه است.
- ❖ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ: برای دوستی مال دنیا بسیار حریص است «یعنی دنیا پرست است».
- ❖ أَفَلَا يَعْلَمُ: پس آیا نمی داند؟
- ❖ بُعْثَرَ: زیرو رو شد.
- ❖ حُصْلَ: به دست آورده شد، استحصال شد «یعنی در قیامت باطن ها برملا می شود».

## ✿ سوره قارעה ✿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
الْقَارِعَةُ (۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

وَ مَا أَدْرَاكَ مَا هِيهَةٌ (۱۰)

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

❖ الْقَارِعَة (قرع): آن کوبنده «بلایی که قلب ها از جا می کند».

❖ مَا أَدْرَى (دری): چه چیز آگاه کرد.

❖ مَا أَدْرِيكَ: چه چیز آگاه کرد تو را، تو چه می دانی؟

❖ فَرَاش: پروانه «مراد پروانه هایی است که شب ها خودشان را به نور چراغ می زنند در ضرب المثل عربی برای سرگشتنگی و بی خبری از عاقبت کار به این پروانه ها مثل زده می شود و به ملخ های ریز که روی زمین حرکت می کنند نیز فراش اطلاق می شود».



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

- ❖ مَبْثُوث (بَثٌ): پراکنده شده.
- ❖ عِهْن: پشم رنگ شده.
- ❖ مَفْوُش (نَفْش): حلاجی شده.
- ❖ ثَقْلَتْ: سنگین گردید.
- ❖ مَوَازِين (وَزْن) جمع مَوْزُون: وزن شده ها و اگر جمع میزان باشد، یعنی ترازوها.
- ❖ عِيشَةٌ رَاضِيَةٌ: زندگی رضایت بخش.
- ❖ خَفَّتْ: سیک گردید.
- ❖ أُمُّهُ: پناهگاهش «به مادر اُم می گویند به مناسبت اینکه مادر پناهگاه کودک است».
- ❖ هَوَى: سقوط کرد.
- ❖ هَاوِيَة (هَوَى): نام دوزخ است به مناسبت این که طعمه های آنکه گناهکاران هستند به آن افکنده می شوند و در آن سقوط می کنند.
- ❖ مَاهِيَة: چیست آن «مَاهِيَة دارای هاء سکت است».
- ❖ حَامِيَة: سوزان، سوزنده

## ✿ سوره تکاثر✿

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)
- الْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (۱)
- حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)
- كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)
- ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)
- كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)
- لَتَرُونَ الْجَحِيمَ (۶)
- ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)
- ثُمَّ لَتُسَأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)
- ❖ الْهَى (لَهُو): سرگرم کرده
  - ❖ تَكَاثُر (كَثُر): تفاخر، مسابقه ثروت اندوزی، به رخ یکدیگر کشیدن ثروت.
  - ❖ زُرْتُمْ: دیدار کردید، رو به رو شدید.
  - ❖ عِلْمَ الْيَقِين: آگاهی قطعی و برهانی.
  - ❖ لَتَرُونَ (رَأَي): البته حتماً می بینید.
  - ❖ عَيْنَ الْيَقِين: شهود یقینی، دیدن یقینی «که از علم یقین مرتبه ای بالاتر است».
  - ❖ لَتُسَأَلُنَّ: البته حتماً پرسیده می شوید، البته حتماً بازخواست می شوید.

## ✿ سوره عصر✿

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)
- وَالْعَصْرِ (۱)
- إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)
- إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبَرِ (۳)
- مگر آنها که ایمان آورده و اعمال شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش نمودند و به صبر توصیه کردند.
- ❖ الإِنْسَان: همه ای انسان ها «الف و لام برای جنس است یعنی همه».
  - ❖ لَفِي خُسْرٍ: البته در زیانند.
  - ❖ تَوَاصَوْا: سفارش کردند یکدیگر را.



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

## ✿ سوره همزه ✿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
 وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ (۱)  
 الَّذِي جَمَعَ مَالًاً وَعَدَدًا (۲)  
 يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)  
 كَلَّا لَيُبَدِّلَنَّ فِي الْحُطْمَةِ (۴)  
 وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ (۵)  
 نَارُ اللَّهِ الْمُوْقَدَةُ (۶)  
 الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)  
 إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ (۸)  
 فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

❖ وَيْلٌ: هلاک و بدیختی

❖ هُمَزَة (هَمْزٌ): «صیغه‌ی مبالغه است» بسیار عیب جو، بسیار بدگویی کننده، بسیار طعنه زننده. «هَمْزٌ در اصل به معنی شکستن است و بدین مناسبت که عیب جو شخصیت مردم را می‌شکند او را هُمَزَة می‌نامند».

❖ لُمَزَة (لَمْزٌ): «صیغه‌ی مبالغه است» بسیار طعنه زننده، عیب جوی رو در رو، عیب جو با اشاره‌ی دست و سر «همزه و لمزه مفهوم مشابه دارند».

❖ عَدَدًا: برشمود آنرا، حساب کرد آنرا

❖ يَحْسَبُ: می‌پندارد

❖ أَخْلَدَهُ: جاودانه کرد او را، او را بقا داد.

❖ يُبَدِّلَنَّ (نبَذ): حتماً دور انداخته می‌شود، حتماً افکنده می‌شود

❖ حُطْمَة (حَطْمٌ): در هم شکننده، خرد کننده «نامی از نام‌های دوزخ است».

❖ مَا أَدْرَاكَ (درْيٌ): چه چیز آگاه کرد تو را، تو چه می‌دانی؟

❖ مُوْقَدَة (وَقَدَ): افروخته شده، فروزان

❖ تَطْلُعُ عَلَى (طلَعٌ): زبانه می‌کشد بر، چیره و مسلط می‌شود بر

❖ أَفْئِدَة (جمع فُؤَادٌ): دل‌ها

❖ مُؤْصَدَة (وَصَدَ): سرپوشیده، در بسته که راه نَفْسِی ندارد.

❖ عَمَد (جمع عَمُودٌ): ستون‌ها

❖ مُمَدَّدَة: طویل و کشیده شده

## ✿ سوره فیل ✿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
 أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفَيْلِ (۱)  
 أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲)  
 وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَايِيلَ (۳)  
 تَرْمِيهِمْ بِحَجَارَةٍ مِنْ سِجْلٍ (۴)  
 فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
آیا ندیدی پروردگارت با فیل داران چه کرد؟  
آیا نقشه آنها را باطل نساخت؟  
و بر سرشان پرندگان گوهی را فرستاد،  
که با سنگ‌هایی از سجیل آنها را هدف قرار می‌دادند.  
پس آنها را هم چون کاه جویده شده [متلاشی] گردانید.



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

- ❖ أَلَمْ تَرَ (رَأَى): آیا ندیدی؟
- ❖ أَلَمْ يَجْعَلْ: آیا قرار نداد؟
- ❖ تَضْلِيلٌ: سردرگم کردن، بی ثمر نمودن، از هدف منحرف کردن
- ❖ طَيْرٌ (جمع طائر): پرنده‌گان، که گاهی بر مفرد نیز اطلاق می‌شود
- ❖ أَبَايِيلٌ: دسته دسته، دسته‌های متفرقه پرنده‌گان
- ❖ تَرْمِيٌّ (رمی): پرت می‌کند، تیر می‌اندازد.
- ❖ سِجْيَلٌ: گل متحجر، گل سفت شده
- ❖ عَصْفٌ: کاه، برگ خشک
- ❖ مَأْكُولٌ: خُرد شده، خُرد شده در زیر دندان، جویده شده

## ✿ سوره قریش ✿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

لِإِلَّا لَفِ قُرْيَشٍ (۱)

إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيفِ (۲)

فَلَيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ حَوْفٍ (۴)

- ❖ لِإِلَّا لَفِ (الف): برای انس و الفت دادن
- ❖ رِحْلَة: کوچ، سفر
- ❖ شَتَاء: زمستان
- ❖ صَيْف: تابستان
- ❖ إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيفِ: اُنس و الفت دادن آنان «قریش» به سفر زمستانی و تابستانی «چون سرزمین مکه برای کشاورزی مناسب نبود، درآمد قریش وابسته به این دو سفر تجاری بوده که زمستان ها به یمن و تابستان ها به شام می‌رفتند».
- ❖ فَلَيَعْبُدُوا: پس باید پرستش کنند.
- ❖ رَبٌّ: صاحب، پروردگار
- ❖ رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ: صاحب این خانه را
- ❖ الَّذِي أَطْعَمَ: کسی که طعام داد، کسی که سیر کرد.
- ❖ جُوعٌ: گرسنگی
- ❖ آمَنَ: ایمنی و امنیت داد.

## ✿ سوره ماعون ✿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللَّهِ (۱)

فَذِلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

وَ لَا يَحُضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳)

فَوْيَلٌ لِلْمُمْسَلِّيَنَ (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

- ❖ آرایت (رأى): آیا دیدی؟
- ❖ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ: کسی را که دین را تکذیب می کند
- ❖ يَدْعُ (دَعَ): به خشونت می راند
- ❖ لَا يَحْضُرُ (حَضَرَ): ترغیب نمی کند، وانمی دارد.
- ❖ طَعَامُ الْمُسْكِنِ: غذا دادن بینوا
- ❖ مُصَلِّيَنَ (جمع مُصَلِّي): نمازگزاران
- ❖ سَاهُونَ (سَهْوٌ) (جمع ساهی): بی خبران، غافلان، سهل انگاران
- ❖ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ: در نمازشان سهل انگارند.
- ❖ يُرَاعُونَ (رأى): خودنمایی می کنند، تظاهر می کنند، ریاکاری می کنند.
- ❖ يَمْنَعُونَ (منع): منع می کنند، خودداری می کنند
- ❖ مَاعُونَ (معن): آنچه مفید و به درد بخور باشد از وسائل منزل (مانند دیگ، کلنگ، آب، نمک)

## ✿ سوره کوثر✿

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
بی تردید ما به تو خیر بسیار دادیم.  
پس برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن.  
البته دشمن تو، همو بی نسل است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)  
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (١)  
فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحِرْ (٢)  
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (٣)

- ❖ أَعْطَيْنَا: عطا کردیم
- ❖ كَوْثَر: «صیغه مبالغه» خیر بسیار
- ❖ فَصَلِّ لِرَبِّكَ: پس نماز برپا کن برای پروردگارت
- ❖ إِنْحِرْ (نَحْر): «شتر» نحر کردن، «شتر» قربانی کن و معنای دیگر این که: هنگام تکبیر گفتن دست ها را تا مقابل صورت بلند کن.
- ❖ شَانِئَ: دشمن بدخواه
- ❖ أَبْتَر: مقطوع التسل، دم بریده، بی نسل

## ✿ سوره کافرون✿

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
بگو هان! ای کافران  
من آنچه می پرستید من نمی پرستم.  
و نه شما پرستنده‌ی چیزی هستید که من می پرستم.  
و نه من پرستنده‌ی چیزی هستم که شما پرستیده اید.  
و نه شما پرستنده‌ی چیزی هستید که من می پرستم.  
شما را دین خودتان و مرا دین خویش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)  
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (١)  
لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (٢)  
وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (٣)  
وَ لَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (٤)  
وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (٥)  
لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ (٦)

لی دین: از آن من است دین من. «در اصل دینی بوده یاء ضمیر حذف شده و کسره در زیر نون باقی مانده تا نشانی از یاء محفوظ باشد»

## ✿ سوره نصر✿

به نام خداوند هستی بخش مهربان  
آنگاه که یاری خدا و پیروزی فرا رسید  
و دیدی که مردم گروه گروه در دین خدا داخل می شوند  
پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و آمرزش خواه که او قطعاً توبه پذیر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)  
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ (١)  
وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْرَاجًاً (٢)  
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًاً (٣)



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

- ❖ فَتْحٌ: پیروزی
- ❖ رَأْيَتَ (رأی): دیدی
- ❖ يَدْخُلُونَ: داخل می شوند.
- ❖ أَفْوَاجٌ (جمع فَوْجٍ): گروه ها، گروه گروه
- ❖ رَأْيَتَ النَّاسَ: دیدی مردم را
- ❖ سَبَّحٌ: تسبیح بگو، تسبیح کن
- ❖ سَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ: تسبیح کن به همراه ستایش پروردگارت
- ❖ اسْتَغْفِرَةٌ (غَفرَ): طلب آمرزش کن
- ❖ تَوَّابٌ (تَوْبَ): بسیار توبه پذیر، کثیر الرّجوع، کسی که زیاد به بنده‌ی خود رجوع می کند تا اصلاح شود.

## ✿ سوره مسد✿

به نام خداوند هستی بخش مهریان  
بریده باد هر دو دست ابولهپ و مرگ بر او.  
مال و دست آوردهش او را بی نیاز نکرد.  
زودا که وارد آتشی شعله ور شود،  
و همسر او [نیز]، که بارکش هیزم است،  
به گردنش ریسمانی از لیف خرما است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
تَبَّعْتَ يَدَا أَيْيِ لَهَبٍ وَ تَبَ (۱)  
مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲)  
سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)  
وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ (۴)  
فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (۵)

- ❖ تَبَّعْتَ، تَبَّ: نابود باد، بریده باد « فعل ماضی برای نفرین و دعا به کار می رود».
- ❖ يَدَا أَيْيِ لَهَبٍ: دو دست ابولهپ
- ❖ مَا أَغْنَى: بی نیاز نکرد، برطرف نساخت.
- ❖ مَا كَسَبَ: آنچه اندوخت، آنچه کسب کرد.
- ❖ سَيَصْلَى (صلی): به زودی وارد آتش خواهد شد، به آتش خواهد سوت.
- ❖ ذَاتَ لَهَبٍ: دارای شعله و زبانه
- ❖ امْرَأَتُهُ: زن او
- ❖ حَمَّالَةً: حمل کننده، بارکش
- ❖ حَطَبٌ: هیزم
- ❖ وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ: و همسر او « نیز وارد آتش خواهد شد» در حالی که هیزم کش است.
- ❖ جِيدٌ: گردن
- ❖ مَسَدٌ: ریسمانی از لیف خرما « برای حمل هیزم ریسمانی از لیف خرما به گردن داشت».
- ❖ حَبْلٌ: طناب، ریسمان
- ❖ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ: در گردنش ریسمانی است از لیف خرما

## ✿ سوره توحید✿

به نام خداوند هستی بخش مهریان  
بگو اوست خدای یگانه  
خدایی که همه، نیاز بد و بزند.  
نژاده و زاده نشده است.  
و برای او احدی همتا و همگون نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)  
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)  
اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)  
لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوْلَدْ (۳)  
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ (۴)

- ❖ أَحَدٌ: یگانه « واحد: یگانه ای است که دومی برای آن قابل تصور است ولی أحد: یگانه ای است که برای آن حتی در ذهن هم دومی قابل فرض نیست. مثلاً یک حجمی که از تمام ابعادش بی نهایت باشد، این حجم در کل جهان حتی در ذهن بیش از یکی نمی تواند باشد و بقیه ای حجم ها در داخل آن قرار می گیرند».



# مفاهیم قرآن کریم از سوره تین تا ناس

❖ صَمَدٌ: بی نیاز مطلق، کسی که همه‌ی نیازمندان به او رجوع دارند.

❖ لَمْ يَلِدْ: نزایده

❖ لَمْ يُوْلَدْ: زاده نشده

❖ لَمْ يَكُنْ لَهُ: نیست برای او، نبوده است برای او

❖ كُفُواً (كُفُو): همتا، هم تراز

## ❖ سوره فلق ❖

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

وَ مِنْ شَرِّ النَّفَاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

❖ أَعُوذُ (عُوذ): پناه می برم

❖ فَلَق: سپیده دم، شکافتن، جدا کردن چیزی از چیزی «سپیده دم پرده‌ی شب را می شکافد».

❖ مَا خَلَقَ: آنچه آفرید.

❖ غَاسِق (غَسْق): شب تاریک، بلاایی که شب وارد می شود، حوادث شب.

❖ وَقَب: فراپوشید، هجوم آورد.

❖ نَفَاثَاتٍ (نَفْث) (جمع نَفَاثَة): «صیغه‌ی مبالغه است که برای مذکور مؤنث یکسان است مثل علامه» بسیار فوت کننده، بسیار دمنده «مراد دمیدن ساحران در وسائل جادو است».

❖ عَقَد (جمع عَقَدَة): گره‌ها

❖ إِذَا حَسَدَ: آن لحظه که حسد ورزد، هنگامی که حسد را به کار اندازد.

❖ حَاسِد: تنگ نظر، حسود

## ❖ سوره ناس ❖

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ (۶)

مَلِك: فرمان روا

❖ مَلِك: فرمان روا

❖ إِلَه: معبد

❖ وَسْوَاس: وسوسه گر «وسوسه عبارت است از آن سخن آهسته‌ای که برای گمراهی و تشویق به خلاف به گوش دل القا می شود و نقطه مقابل الهام است».

❖ يُوَسْوِسُ: وسوسه می کند، سخن آهسته می گوید.

❖ خَنَّاس (خَنَّس): پنهان شونده، بازگردنده، مخفی کار.

❖ جِنَّة: جنیان، گروه جن

❖ نَاس: انس در مقابل جن، یعنی مردمان